

مبانی حسابداری مدیریت

۱. ارتباط بهای تمام شده و حجم فعالیت و سود را بیان کنید.
۲. منظور از سهمیه بندی سرمایه چیست.
۳. منظور از اقلام مربوط بهای تمام شده چیست.
۴. تفاوت بین اقلام متغیر بهای تمام شده و ثابت بهای تمام شده را ذکر نمایید.
۵. شاخص سودآوری چیست و دلیل کاربرد آن کدام است.
۶. معنای تصمیم گیری مرکب چیست.
۷. مخارج مهندسی را تعریف کنید.
۸. مراکز مسئولیت چیست و انواع آنرا ذکر کنید.
۹. پنج مرحله فرایند بودجه بندی سرمایه ای را نام ببرید.
۱۰. مقاصد بودجه بندی را بیان نمایید. ذکر ۳ مورد.

جواب مبانی حسابداری مدیریت

۱. تجزیه و تحلیل بهای تمام شده و حجم فعالیت و سود وسیله ای مؤثر برای مرتبط کردن سطح فعالیت با تغییر بهای تمام شده و سود می باشد. تجزیه و تحلیل نقطه

سر به سر به منظور محاسبه مقداری از تولید (فعالیت) انجام می گیرد که در آن درآمد با جمع بهای تمام شده مساوی باشد. تفاضل قیمت فروش و اقلام متغیر بهای تمام شده یک واحد از محصول، حاشیه فروش نامیده می شود. چنانچه اقلام ثابت بهای تمام شده به این رقم تقسیم شود، نقطه سر به سر مستقیماً به دست می آید. افزایش اقلام ثابت بهای تمام شده یا سود مورد انتظار را می توان در محاسبه نقطه سر به سر دخالت داد که اینکار با جمع کردن این ارقام با اقلام ثابت اولیه انجام می شود که پی آمد تغییر قیمت فروش یا تغییر اقلام متغیر بهای تمام شده، تغییر حاشیه فروش است.

۲. فرایند انتخاب مطلوبترین پروژه های سرمایه گذاری از میان پروژه های بالقوه سودآور را سهمیه بندی سرمایه گویند.

۳. به مجموعه متنوعی از اطلاعات حسابداری که به تصمیم گیریهای مدیران کمک می کند اقلام مربوط گویند که وقوع آن در دوره های آتی انتظار می رود و برای راه حل های گوناگون متفاوت می باشد. چون همه اقلام بهای تمام شده اهمیت یکسانی در تصمیم گیری ها ندارند، مدیران باید اقلام مؤثر بر هر یک از تصمیمات خود را مشخص نمایند و ماهیت اقلام مربوط بهای تمام شده با نوع تصمیم یا مدیر تصمیم گیرنده تغییر میکند. و دارای دو ویژگی می باشد ۱. انتظار وقوع این اقلام در دوره های مالی آتی وجود دارد- ۲. مقدار این اقلام برای هر یک از راه حل ها متفاوت است.

۴. اقلام ثابت بهای تمام شده بر اثر تغییر سطح فعالیت مثلاً تولید تغییر نمی کند یعنی در تمام سطوح فعالیت ثابت می ماند. و شامل کلیه مخارجی می شود که در یک دوره مالی یا در کوتاه مدت قابل تغییر نباشد. ولی اقلام متغیر بهای تمام شده به

طور مستقیم و به تناسب تغییر سطح فعالیت یا تولید افزایش یا کاهش می یابد. و جمع اقلام متغیر بهای تمام شده به تناسب افزایش تولید اضافه می شود در حالی که اقلام متغیر بهای تمام شده یک واحد تقریباً ثابت می ماند این ارتباط متناسب، گرایش اقلام متغیر بهای تمام شده را از گرایش های سایر اقلام بهای تمام شده متمایز می کند و گاهی به آن اقلام متغیر مستقیم نیز می گویند.

۵. ارزش فعلی یک پروژه تابعی از نرخ تنزیل یا هزینه تأمین مالی، زمانبندی گردش وجوه نقد و مقدار آن است که در صورت یکسان بودن سایر شرایط، پروژه های بزرگ، ارقام ارزش فعلی خالص بیشتری را ارائه می کند و در این روش کلیه محاسبات مربوط به معیاری از ارزش فعلی خالص که متناسب با مبلغ سرمایه گذاری است تبدیل می شود و به این ترتیب مبنای مشترکی را برای مقایسه پروژه های سرمایه گذاری با مبالغ مختلف سرمایه گذاری اولیه فراهم می کند و هر چه شاخص سودآوری یک پروژه بیشتر باشد مطلوبتر است زیرا بازده بیشتری نسبت به مبالغ سرمایه گذاری شده ایجاد می نماید.

۶. تصمیمات مرکب یا تصمیم گیری با چند راه حل مربوط به مواردی است که بیشتر از دو راه حل ممکن موجود باشد. اولین مرحله در تحلیل اینگونه تصمیمات محاسبه نقطه بی تفاوتی بهای تمام شده بین هر زوج از راه حل های ممکن است مثلاً برای سه راه حل سه نقطه و برای چهار راه حل شش نقطه بی تفاوتی بهای تمام شده وجود دارد که تعداد این نقاط در مقابل افزایش تعداد راه حل ها با نسبتی هندسی اضافه می شود. تصمیمات مرکب با افزایش تعداد راه حل های ممکن پیچیده تر می گردد و ممکن است تحلیل ارقام و اطلاعات گردآوری شده در یک مدل تصمیم با اشکال مواجه شود.

۷. مخارج مهندسی معرف ارتباطی مشخص و فیزیکی بین نهاده ها با ستانده یا محصول است. ارتباط بین نهاده یا اقلام بهای تمام شده و ستانده را می توان با توجه به مشخصات فنی محصولات یا با مطالعه و تجزیه و تحلیل اقلام بهای تمام شده تاریخی تعیین کرد و مدیریت می تواند مخارج مهندسی را به وسیله تصمیمات روزمره تغییر دهد. و در مورد مخارج مهندسی دو روش برای تعیین ارتباط بین این اقلام و ستانده وجود دارد: ۱. تجزیه و تحلیل مهندسی - ۲. تجزیه و تحلیل اقلام بهای تمام شده تاریخی.

۸. اساس سیستم حسابداری سنجش مسئولیت این است که هر یک از بخش های تابعه واحد انتفاعی را نوعی مرکز مسئولیت محسوب و متناسب با وظایف محوله سازماندهی کنند. مرکز مسئولیت معمولاً به بخشی از واحد انتفاعی تعلق می گیرد که مدیر آن، مسئول حسابداری در قبال نتایج مالی فعالیت های آن بخش می باشد. که مراکز مسئولیت را معمولاً می توان به چهار نوع تقسیم کرد: مرکز هزینه - مرکز درآمد - مرکز سود - مرکز سرمایه گذاری.

۹. شناسایی پروژه های سرمایه گذاری - برآورد منافع و مخارج هر یک از پروژه ها - ارزیابی پروژه های پیشنهادی - تهیه و تنظیم بودجه مخارج سرمایه ای - ارزیابی مجدد پروژه ها پس از تصویب.

۱۰. طرح ریزی دوره ای را ایجاد می کند - هماهنگی، همکاری و ارتباط را ترویج می دهد - به مقدار در آوردن پیشنهادها را الزامی می کند.